افشای راز قتل استاد دانشگاه به خاطر عذاب وجدان

گروه حوادث/ دختر جوان که شاهد قتل یک استاد دانشگاه بود در حالی به خاطر عذاب وجدان راز این جنایت را فاش کرد که عاملان قتل از کشور فرار کرده‌اند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل مرد میانسالی به اداره پلیس مراجعه کرد و از ناپدید شدن پسر و عروسش خبر داد و گفت: پسرم استاد دانشگاه و ورزشکار است. چند روزی است که از او و همسرش بی‌خبرم و هر چه با تلفن همراه‌شان تماس می‌گیرم خاموش است. همسایه‌ها نیز مدعی هستند دو روزی می‌شود که آنها را ندیده‌اند. نگرانم و می‌ترسم بلایی سر آنها آمده باشد.

با شکایت مرد میانسال، کارآگاهان اداره چهارم پلیس آگاهی پایتخت به دستور بازپرس عظیم سهرابی، وارد عمل شده و تحقیقات برای یافتن زوج ناپدید شده آغاز شد.

■ اعتراف به خاطر عذاب وجدان

۱۰ روز از ناپدید شدن زوج جوان گذشته بود که دختری قدم در یکی از کلانتری‌های پایتخت گذاشت و مدعی شد می‌خواهد راز جنایتی تلخ را برملا کند. دختر جوان، زمانی که مقابل افسرنگهبان کلانتری قرار گرفت، گفت: ۱۰ روز است عذاب وجدان مثل کوره به جانم افتاده است. من با تهدید دوستانم و خیلی ناخواسته وارد ماجرا شدم و شاهد قتل مرد جوانی بودم، اما کابوس‌های شبانه مرا وادار کرد تا به پلیس مراجعه کنم.

دختر جوان گفت: من در یک کافه با مهتاب و کوروش آشنا شدم. کوروش پسری تحصیلکرده و طراح ساختمان بود، مهتاب هم زنی متأهل و جوان بود که فوق‌دیپلم داشت اما از زمانی که ازدواج کرده بود، بیرون از خانه کار نمی‌کرد. او برای پر کردن اوقات فراغتش هر چند وقت یک‌بار به کافه می‌آمد. رفت و آمدهای‌مان به کافه باعث دوستی ما سه نفر شد. من گاهی به خانه مهتاب می‌رفتم و به این طریق با شوهرش نیز آشنا شدم. شوهر مهتاب استاد دانشگاه و مردی خوش‌قیافه، ورزشکار و پولدار بود گرچه در ظاهر زوج خوشبختی بودند اما مهتاب می‌گفت که با او مشکل و اختلاف زیادی دارد و بعد کم کم متوجه شدم که مهتاب با کوروش روابط صمیمی و پنهانی برقرار کرده است.

دختر جوان گفت: وقتی فهمیدم مهتاب و کوروش ارتباط دارند تعجب کردم چون شوهرش مردی موجه و مناسب بود، با این حال یک شب که با مهتاب و کوروش به ارتفاعات شمال تهران رفته بودیم، آنها از من خواستند با شوهر مهتاب تماس بگیرم و او را به بهانه‌ای به آنجا بکشانم.

وقتی علتش را پرسیدم گفتند می‌خواهند او را گوشمالی دهند. من مخالفت کردم اما آنها با تهدید وادارم کردند تماس بگیرم، به ناچار تماس گرفتم و به دروغ به او گفتم می‌خواهم در مورد مهتاب صحبت کنم و او هم که از ماجرا بی‌خبر بود خودش را به محل قرار رساند. زمانی که به محل رسید با دیدن همسرش و کوروش تعجب کرد اما ناگهان کوروش با چاقو از پشت سر به او حمله کرد و مرد جوان را به قتل رساند. بعد هم جسد را داخل خودرو گذاشته و از شهر خارج شدند.

آنها جسد را به خارج از شهر برده و آتش زدند. بعد از این جنایت، مهتاب و کوروش مخفیانه از کشور خارج شدند. من که شاهد این جنایت بودم، سعی کردم آن را فراموش کنم، اما عذاب وجدان رهایم نکرد و به همین دلیل تصمیم گرفتم موضوع را به پلیس بگویم.

با اعتراف دختر جوان، راز ناپدید شدن مرد جوان برملا شد. برای کشف جسد مرد جوان، مشخصات او به پلیس استان‌ها اعلام شد. درحالی که تحقیقات در این زمینه ادامه داشت، کارآگاهان پلیس دماوند در تماس با پلیس تهران اعلام کردند جسد سوخته مرد جوانی را در روستاهای اطراف دماوند پیدا کرده‌اند.

کارآگاهان برای اطمینان از هویت مقتول از خانواده این استاد دانشگاه خواستند برای شناسایی جسد به پزشکی قانونی بروند. با حضور خانواده آنها از روی لباس‌ها و ساعت پسرشان هویت جسد سوخته را شناسایی کردند. به دستور بازپرس شعبه نهم دادسرای امور جنایی تهران، نمونه‌گیری از جسد برای آزمایشات دی ان ای صورت گرفت و تحقیقات برای دستگیری زن و مرد جنایتکار ادامه دارد.

قصاص مجازات رفیق کشی

گروه حوادث/ پسر جوانی که مدعی بود در عالم مستی دوستش را به قتل رسانده با حکم قضات شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران به قصاص محکوم شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از آبان سال ۱۴۰۰ با گزارش یک درگیری مرگبار در یکی از محله‌های جنوب تهران آغاز شد. همسایه‌ها که گزارش این درگیری را به پلیس داده بودند، عنوان کردند دقایقی پیش پسر جوانی که در همسایگی‌شان زندگی می‌کند با چاقویی خون‌آلود از خانه خارج شد و با صدای بلند فریاد زد که دوستم را کشتم.

پس از آن مأموران به محل اعزام شدند و با بررسی‌های اولیه مشخص شد که متهم با ضربه‌های چاقو دوستش را بشدت مجروح کرده است که بلافاصله به بیمارستان منتقل شد اما ساعتی بعد به علت شدت جراحات وارده در بیمارستان فوت کرد و جسد او با دستور مقام قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد.

متهم نیز که به علت مصرف مشروبات الکلی حالت طبیعی نداشت در محل بازداشت شد .

پزشکی قانونی بعد از معاینه‌های لازم در گزارشی، علت مرگ را اصابت چاقو به قفسه سینه اعلام کرد.

با روشن شدن موضوع، متهم صحنه جرم را بازسازی کرد و پرونده پس از تکمیل تحقیقات برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در ابتدای جلسه اولیای دم درخواست قصاص کردند. پدر مقتول به جایگاه رفت و گفت: متهم صمیمی‌ترین دوست پسرم بود و نمی‌دانم چه اتفاقی میان آنها افتاد که پسرم را کشت. حالا هم خواهان قصاص او هستم.

سپس متهم به جایگاه رفت و گفت: مقتول از برادر به من نزدیک‌تر بود. شب حادثه در خانه تنها بودم به همین خاطر به او زنگ زدم و خواستم به خانه‌ام بیاید. اما آن شب آنقدر مشروب خوردم که از حالت طبیعی خارج شدم.

هنوز هم به خاطر ندارم که سر چه موضوعی باهم درگیر شدیم فقط وقتی به خودم آمدم دیدم او را با چاقو زده‌ام. همان موقع به خیابان دویدم و فریاد زدم تا همسایه‌ها کمک کنند و او را به بیمارستان برسانند اما او فوت کرد و من شرمنده خانواده‌اش شدم. من اتهامم را قبول دارم. می‌دانم اشتباه بزرگی کرده‌ام و از اولیای دم می‌خواهم تا به من رحم کنند و من را ببخشند. در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و با توجه به مدرک‌های موجود، متهم را به قصاص محکوم کردند.

مرد دستفروش به چوبه دار نزدیک شد

گروه حوادث/ مرد دستفروش که همکارش را به قتل رسانده بود، در دادگاه کیفری یک استان تهران به قصاص محکوم شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، خرداد سال ۹۷ گزارش یک نزاع در محدوده بازار تهران به مأموران کلانتری ۱۱۳ بازار اعلام شد.

پس از آن مأموران بلافاصله به محل اعزام شدند و با بررسی‌های اولیه مشخص شد که جوانی به نام قاسم ۳۵ ساله از ناحیه پهلو و شکم با ضربات چاقو بشدت مجروح و به بیمارستان منتقل شده اما چند ساعت بعد به علت شدت جراحات وارده تسلیم مرگ شد.

در نخستین گام تیم جنایی به تحقیقات میدانی پرداختند و مشخص شد که مقتول در محدوده بازار دستفروشی می‌کرده و پس از یک درگیری با همکارش کریم ۴۵ ساله از سوی وی با ضربات چاقو مجروح شده است. با مشخص شدن هویت عامل قتل، وی در خانه‌اش بازداشت شد.

بعد از استعلام سوابق او معلوم شد که مشکلات روانی داشته و در بیمارستان هم بستری بوده و چندین سابقه درگیری نیز در پرونده‌اش به چشم می‌خورد.

کریم پس از دستگیری و در همان بازجویی‌های اولیه به قتل اعتراف کرد و در تشریح ماجرا گفت: من به خاطر مشکلات روانی‌ام بارها در بیمارستان بستری شده‌ام. چند ماه پیش از حادثه برای اینکه سرگرم باشم و با بیماری‌ام مقابله کنم تصمیم گرفتم با دستفروشی خودم را مشغول کنم.

روز حادثه در حال کار بودم که چند نفری به سراغم آمدند و با لحن تندی از من خواستند تا کارم را تعطیل کنم که مخالفت کردم و آنها به یکباره به سمتم حمله کردند و من را مورد ضرب و شتم قرار دادند.

قاسم هم چند متر آن طرف‌تر از بساط من دستفروشی می‌کرد تا چشمم به او افتاد با خنده‌ای مسخره‌ام کرد، چون از آن ماجرا عصبانی بودم کنترلم را از دست دادم و با چاقویی که در جیبم بود به سمتش رفتم اما وقتی به خودم آمدم دیدم چاقو به شکمش خورده است. با دیدن این صحنه ترسیدم و به سرعت فرار کردم.

پس از تکمیل تحقیقات پرونده برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در ابتدای جلسه مادر مقتول به‌عنوان تنها ولی دم درخواست قصاص کرد.

سپس متهم به جایگاه رفت و ضمن ابراز پشیمانی از مادر مقتول درخواست بخشش کرد اما قضات با توجه به مدرک‌های موجود در پرونده، متهم را به قصاص محکوم کردند.

گریم سارق برای دزدی شیرآلات پاساژ

گروه حوادث/ سارق حرفه‌ای وقتی برای پنجمین بار با چهره‌ای گریم شده وارد پاساژی در پایتخت شد تا نقشه سرقت شیرآلات را اجرا کند، توسط مرد نظافتچی بازداشت شد.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل صدای درگیری نظافتچی یکی از پاساژهای معروف پایتخت با مرد جوانی به گوش رسید و مغازه‌داران که متوجه این درگیری شده بودند، بلافاصله خود را به محل رساندند.

مرد نظافتچی با دیدن کسبه از آنها درخواست کمک کرد و پس از دستگیری پسر جوان، مشخص شد که او در حال سرقت شیرآلات از پاساژ بوده که مرد نظافتچی او را دیده است.

این در حالی بود که از مدتی قبل شیرآلات موجود در پاساژ به شکل سریالی سرقت می‌شد و مشخص نبود چه کسی سناریوی این سرقت‌ها را اجرا می‌کند. پسر جوان که سعی داشت خود را بی‌گناه نشان دهد زمانی که داخل کوله پشتی‌اش شیرآلات سرقتی و ابزار و وسایل سرقت را کشف کردند به سرقت‌های سریالی از پاساژ و محل‌های دیگر اعتراف کرد.

او در تحقیقات گفت: چهار بار تا به حال به زندان افتاده‌ام و جرمم سرقت لوازم داخل خودرو و شیرآلات ساختمان‌ها بود. بعد از مدتی حبس هم از زندان آزاد می‌شدم و مجدد سراغ کارهای خلاف می‌رفتم. دو ماه قبل از زندان آزاد شدم و این‌بار تصمیم گرفتم شیرآلات پاساژها را سرقت کنم. برای اینکه هویتم مشخص نشود هر بار با یک گریم جدید وارد پاساژ می‌شدم. یک بار از کلاه گیس استفاده می‌کردم و یک‌بار از کلاه لبه‌دار و سعی می‌کردم لباس‌های مختلف بپوشم.

او ادامه داد: در این دو ماه، چهار بار به این پاساژ آمدم و پس از سرقت شیرآلات، آنها را داخل کیف یا کوله پشتی‌ام گذاشته و از پاساژ خارج می‌شدم. این‌طوری اگر ردی از من در سرقت قبلی به‌دست می‌آمد، در سرقت بعدی نمی‌توانستند مرا با چهره جدید شناسایی کنند. شیرآلات را می‌فروختم و با پولی که از این راه به‌دست می‌آوردم مواد مخدر می‌خریدم و کرایه محل زندگی‌ام را می‌دادم.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که سارق معتاد حدود ۲۰۰ میلیون تومان خسارت به پاساژ وارد کرده است. به دستور بازپرس دادسرای ویژه سرقت او در اختیار کارآگاهان اداره آگاهی قرار داده شد و تحقیقات ادامه دارد.

اخبار

شهادت سرباز وظیفه در حمله اشرار مسلح

گروه حوادث/ حمله اشرار مسلح به مأموران ایست و بازرسی قطار خنجک شهرستان زاهدان منجر به شهادت سرباز مدافع امنیت شد. سردار محمد قنبری فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان گفت: اشرار مسلح در محور زاهدان-خاش در محل ایست و بازرسی شهید غفاری به همکاران مستقر در ایست و بازرسی که در حال انجام وظیفه و تأمین امنیت محور بودند به صورت ناجوانمردانه حمله و از سمت ریل قطار به آنان تیراندازی کردند.

فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان افزود: اشرار بعد از تیراندازی، با واکنش قاطع و آتش سنگین مأموران مواجه و از محل متواری شدند که براثر این حمله اشرار سرباز وظیفه «یعقوب دهمرده» اهل شهرستان هیرمند به فیض شهادت نائل و ستوان محمد قیامی و استوار حسین پارساکیا نیز مجروح شدند.

فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان تصریح کرد: از لحظات ابتدایی این حادثه با تشکیل تیم ویژه و سرنخ‌های به دست آمده، شناسایی و دستگیری عاملان تیراندازی به مأموران جان برکف ایست و بازرسی آغاز شد.

دفاع از پایان نامه در زندان

گروه حوادث/ مرد زندانی که در دوران محکومیت خود موفق شده بود ۲ مدرک کارشناسی بگیرد در مقطع کارشناسی ارشد به شکل مجازی از پایان‌نامه خود در زندان دفاع کرد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان زندان‌ها و اقدمات تأمینی و تربیتی کشور یکی از مددجویان ندامتگاه «تهران بزرگ» که چندین سال است به‌دلیل پرونده مالی در زندان به سر می‌برد، توانست به شکل مجازی از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در رشته «مدیریت IT» دفاع کند.

جلسه دفاع این مددجو به همت اداره‌کل زندان‌های استان تهران و پس از رایزنی‌ها با دانشگاه انجام گرفت که با استقبال طرفین نیز همراه شد. این زندانی دوران محکومیت خود را از سال ۱۳۸۶ به‌دلیل داشتن شاکی خصوصی به ترتیب در بازداشتگاه اوین و ندامتگاه تهران بزرگ سپری می‌کند. این مددجو پیش از این هم توانسته بود با استفاده از امکاناتی که در محیط زندان برایش فراهم شده، مدرک کاردانی مترجمی انگلیسی و دو مدرک کارشناسی «مدیریت بازرگانی» و «کسب و کار» را در این دو زندان کسب کند.

با تلاش مأموران پاسگاه انتظامی هریس

یک کیلو طلا و چک‌های میلیاردی به صاحبش برگشت

گروه حوادث/ مأموران انتظامی پاسگاه «خرمالو»ی شهرستان هریس یک کیلوگرم طلا و ۱۱ میلیارد و ۸۳۰ میلیون ریال چک را به صاحبش بازگرداندند. حسین عبدی، فرمانده انتظامی آذربایجان‌شرقی گفت: در پی دریافت خبری مبنی بر واژگونی خودروی سمند در محور تبریز-اهر، مأموران پاسگاه «خرمالو»ی شهرستان هریس در صحنه حضور یافتند.

با حضور مأموران در محل تمام مصدومین با آمبولانس به نزدیک‌ترین بیمارستان انتقال داده شدند. بعد از بررسی صحنه تصادف، یک کیف در ۲۰ متری اطراف خودرو پیدا شد که با بررسی محتویات آن مشخص شد مقدار یک کیلوگرم طلا و مبلغ ۱۱ میلیارد و ۸۳۰ میلیون ریال چک بانکی در داخل کیف است که پس از صورتجلسه و شناسایی صاحبش، به وی بازگردانده شد.

فرمانده انتظامی استان با قدردانی از اقدام شایسته و قابل تقدیر مأموران پاسگاه خرمالو گفت: همکاران تلاشگر ما در بخش‌های مختلف انتظامی هدفی جز خدمت به مردم ندارند و امین اموال و دارای عزت‌نفس بالایی هستند.

در جاده تفرش رخ داد

تصادف مرگبار اتوبوس کارگران با کامیون

گروه حوادث/ برخورد کامیون با اتوبوس سرویس کارکنان یک کارخانه در استان مرکزی منجر به مرگ ۵ مسافر و مصدوم شدن ۱۴ نفر شد. سرهنگ احمد شیرانی، رئیس مرکز اطلاعات و کنترل ترافیک پلیس راهور انتظامی کشور درباره جزئیات این حادثه گفت: ساعت ۰۶:۳۵ صبح پنجشنبه ۲۲ دی برخورد کامیون با اتوبوس سرویس کارکنان یکی از کارخانجات استان مرکزی در محور تفرش - فرمهین، گردنه نقره کمر اطلاع داده شد. بلافاصله ۲۵ امدادگر در قالب ۸ تیم هلال احمر استان مرکزی همراه با ست نجات و ۶ خودرو آمبولانس در صحنه حضور یافتند. وقتی امدادگران و نیروهای پلیس به محل حادثه رسیدند مشخص شد راننده کامیون به همراه ۴ مسافر در این حادثه جان خود را از دست داده‌اند. به گفته سرهنگ شیرانی علت حادثه نقص فنی از سوی اتوبوس اعلام شده است.

مرگ یک زن و مرد در آتش‌سوزی مغازه موتورسازی

گروه حوادث/ آتش‌سوزی ۵ مغازه در منطقه چیذر تهران منجر به مرگ یک زن و مرد شد. جلال ملکی سخنگوی سازمان آتش‌نشانی شهرداری تهران درباره جزئیات این حادثه گفت: ساعت ۴:۴۵ بامداد پنجشنبه یک مورد حادثه آتش‌سوزی واقع در محله چیذر، خیابان چیذری به سامانه ۱۲۵ سازمان آتش‌نشانی شهرداری تهران اطلاع داده شد. وی با بیان اینکه بلافاصله ۴ تیم آتش‌نشانی به همراه خودروهای پشتیبانی ازجمله خودروهای حامل تجهیزات تنفسی به محل حادثه اعزام شدند گفت: ۵ باب مغازه کنار یکدیگر با سقف شیروانی یک تکه شامل آرایشگاه، سوپرمارکت، موتورسازی و... بودند. در پشت این مغازه‌ها نیز یک مبل‌سازی وجود داشت که در کنار آن ساختمان‌های مسکونی بودند. زمانی که آتش‌نشانان به محل حادثه رسیدند مشاهده کردند که همه مغازه‌ها تقریباً شعله‌ور است. به دلیل حجم زیاد شعله‌ها، آتش در حال سرایت به مغازه‌های پشتی نیز بود. ملکی با بیان اینکه آتش‌نشانان بلافاصله عملیات را از چند طرف آغاز کردند، ادامه داد: به‌دلیل شدت حرارت و آتش غالب سقف‌ها تخریب یا بشدت خسارت دیده بودند. آتش‌نشانان همزمان با عملیات اطفاء، عملیات جست‌وجو را نیز آغاز کردند.

وی با بیان اینکه مغازه موتورسازی بیشترین خسارت را دیده و کاملاً شعله‌ور بود، ادامه داد: در قسمت انتهای موتورسازی فضایی برای استراحت وجود داشت که یک آقا و خانم جوان در آنجا حضور داشتند و زمانی که آتش‌نشانان به این بخش دسترسی پیدا کردند بلافاصله این افراد را از مغازه خارج کرده و به تأیید عوامل اورژانس مشخص شد هر دو نفر که حدوداً ۴۰ ساله هم بودند جان خود را از دست داده‌اند.